

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه

استان چهارمحال و بختیاری، یکی از استان های غربی سرزمین ایران است که به دلیل مسیرهای کوهستانی صعب العبور و اقلیم سخت ، منطقه ای ناشناخته و به دور از مطالعات تاریخی مانده است. با این وجود، این استان منطقه ای بسیار غنی از نظر داشته های فرهنگی و معماری از ادوار تاریخی مختلف است. سفالینه های یافت شده در منطقه ، تاریخ حیات انسانی آن را به دوره نوسنگی می رساند (زمانی پور، ۱۳۷۷). از دوران پیش از اسلام قلاع و پل های مخروبه ای به صورت پراکنده شناسایی شده است. اما آنچه زمینه ساز این پژوهش گردیده ، معماری دوره اسلامی بوده است. خانه هایی در استان از دوره صفویه ، قاجار و پهلوی شناسایی شده است که برخی در شرایط مطلوب باقی مانده و برخی به شدت آسیب دیده است. دوره تاریخی مورد مطالعه در این پژوهش دوره قاجار است که به علت تعدد نمونه های موجود، انتخاب شده است.

این خانه ها که در شهرهای استان پراکنده اند ، از نظر ساخت و تنوع طرح و نقشه می توانند قابل مقایسه با خانه های استان های بزرگی همانند اصفهان ، یزد و کاشان بوده ، و گزینه مناسبی برای پژوهش های معماری و تاریخی است. آنچه در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است ، تنها خصوصیات معماری این خانه هاست . چراکه شناخت و مطالعه خصوصیات فرهنگی ، تاریخی و حتی عناصر معماری مانند سازه و تزئینات این خانه ها به صورت مجزا نیاز به پژوهش های گسترده دارد.

نمونه های مورد مطالعه ، تعداد نه عدد از خانه های قاجار استان چهارمحال وبختیاری را شامل می گردد که از نظر خصوصیات معماری مانند برونگرایی ، درونگرایی ، سلسله مراتب ، سیرکولاسیون حرکتی و چیدمان فضایی و بسیاری موارد دیگر بررسی گردیده اند. پژوهش ، با معرفی بستر زمانی و مکانی مطالعه ومعرفی نمونه ها آغاز می گردد و با تحلیل عناصر معماری خانه ها ادامه می یابد . در پایان با ارائه نوعی گونه شناسی براساس نظریه زبان معماری شولتز به دسته بندی اطلاعات معماری این خانه ها پرداخته شده است. شیوه جمع آوری اطلاعات ، کتابخانه ای ومیدانی و شیوه پژوهش ، کیفی و روش تحلیل تفسیری و تاریخی بوده است.

۲-۱ بیان مسأله

معماری ، پیکره در برگیرنده زندگی انسانی است و می تواند انعکاس دهنده بسیاری از ویژگی های حیات اجتماع انسانی در هر دورانی باشد. اگرچه مساجد ، بازارها ، کاروانسراها و سایر بناهای عمومی جایگاه ویژه ای درانتقال دادن اطلاعات فرهنگی و اجتماعی واقتصادی دارند اما خانه ها جلوه ای دقیق تر از بافت اقتصادی و اجتماعی مردم هر روزگار ارائه می دهند . خانه ، با تمامی عناصر فرهنگی وتاریخی یک جامعه انسانی پیوند دارد.

در پژوهش حاضر ، انتخاب خانه ، به عنوان فضای معماری مورد مطالعه ، علاوه بر نقش واهمیت آن درانتقال اطلاعات فرهنگی و اجتماعی دوران خود، به دلیل تعدد وگوناگونی خانه های قاجار موجود دراستان چهارمحال وبختیاری صورت گرفته است. هدف اصلی دراین پژوهش ، معرفی خانه های قاجار استان چهارمحال وبختیاری و بررسی ویژگی های معماری این بناها و جستجوی الگوها وگونه های شکلی احتمالی موجود دراین خانه هاست.سئوالاتی که در جریان مطالعه نمونه ها مورد بررسی قرار می گیرند عبارتند از:

الف) چه ویژگی هایی در معماری خانه های قاجار استان چهارمحال وبختیاری قابل مشاهده است؟

ب) چه عواملی بر روند شکل گیری این خانه ها موثر بوده است؟

۳-۱ اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش

از نخستین یافته های باستان شناسی زندگی جوامع انسانی ، خانه بوده است(کیانی،۱۳۶۵).از دوره سر پناه های ساده مدور و غارها تا خانه های مجلل دوران شهرنشینی، همواره ردپای انسان در تاریخ را می توان با "خانه هایش" دنبال کرد. خانه ، برای انسان ، یک ضرورت است و جزئی تفکیک ناشدنی از فطرت اوست و هرچه که پیوسته با فطرت انسان باشد ، آینه ای است برای شناخت آنچه در درون ناپیدای او می گذرد.

معماری بناهای عمومی با تمامی ارزش‌های مهمی که در شناخت ویژگی‌های هر دوران داشته است، نمی‌تواند به اندازه معماری خانه‌ها، انعکاس‌دهنده خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دوران خود باشد، چرا که معمولاً در ساخت بناهای عمومی، اهداف سیاسی طبقه حاکم نیز دخیل بوده و در طراحی و تامین هزینه، پشتوانه‌ای فراتر از توان مردم عادی جامعه وجود داشته است.

حفظ خانه‌های هر دوره تاریخی، در زمینه‌های مختلف از نظر طراحی، نوع سازه و مصالح و شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، گنجینه ارزشمندی از اطلاعات قابل رجوع برای مطالعه آن دوره را فراهم می‌کند که در تمامی زمینه‌های علوم انسانی و هنر قابل بهره‌گیری است. همچنین از آنجایی که در دوره‌های تاریخی گذشته، نسبت به دوره تاریخی فعلی ارتباطات جهانی محدودتر بوده و همچنان سنت‌ها و عرف اجتماعی، بر هنر و معماری تسلط داشته است، می‌توان مطالعه این داشته‌ها را به عنوان راهی برای دستیابی به نیاز و سلیقه خانواده ایرانی آزمود.

لذا با هدف جمع‌آوری اطلاعات معماری خانه‌های تاریخی استان چهارمحال و بختیاری، موضوع این پژوهش تثبیت گردید و به منظور مطالعه ویژگی‌های معماری و تحلیل این خانه‌ها، انتخاب از یک دوره تاریخی مشخص (دوره قاجار)، انجام شد.

۱-۴- اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، گردآوری اطلاعات پراکنده تعدادی از خانه‌های قاجار استان چهارمحال و بختیاری و تحلیل و مطالعه این خانه‌ها برای شناسایی عوامل موثر بر روند شکل‌گیری آن‌ها بوده است. در این خصوص، بررسی "فضاهای موجود" در تعدادی از خانه‌های قاجاری استان چهارمحال و بختیاری و نحوه چیدمان این فضاها برای رسیدن به یک الگوی فضایی انجام گردیده است.

از این رو در گام نخست به جمع‌آوری اطلاعات معماری، نقشه‌ها، تصاویر، توصیفات و مطالعات کتابخانه‌ای در ارتباط با پیشینه و بستر مکانی و زمانی خانه‌ها پرداخته شد. در مراحل بعد، بررسی و تحلیل خانه‌ها براساس اطلاعات گردآوری شده انجام گردید.

اگرچه، نمونه‌های موجود برای انجام چنین پژوهشی، بسیار بیشتر از تعداد خانه‌های انتخاب شده بود، اما حجم پژوهش حاضر، مجال بررسی تعداد نمونه‌های بیشتر را فراهم نمی‌نمود. امید است در آینده بررسی و مطالعه سایر خانه‌های قاجار استان چهارمحال و بختیاری با رویکردهای مختلف انجام شود.

در روند تحلیل خانه‌های قاجار منتخب، بررسی و تحلیل براساس نظریه زبان معماری شولتز انجام شده است. این رویکرد با مطالعه نمونه پژوهش‌های مشابه و شیوه‌های تحلیل به کاررفته در آن‌ها برگزیده شده است. در این مرحله،

هدف، شکل شناسی و گونه شناسی خانه های مورد مطالعه براساس اجزاء معماری گوناگون آن ها بوده است. نتایج این بررسی ها به صورت جداول ارائه گردیده است.

پس از تحلیل کالبدی خانه ها، با تکیه بر مشترکات و اختلافات خانه های مورد مطالعه و با توجه به دوره تاریخی مشترک در تمامی این نمونه ها، به عوامل موثر بر روند شکل گیری این خانه ها پرداخته شده است.

۵-۱ چارچوب نظری پژوهش

یافتن مکانی برای سکونت و احساس آسایش در آن یکی از اساسی ترین و مهم ترین نیازهای بشر در طول تاریخ می باشد. خانه به عنوان عنصری که تامین کننده این نیاز است دارای اهمیت خاصی می باشد. با نگاهی به معماری سنتی ایران، نیز نقش و جایگاه ویژه خانه به عنوان عنصری مهم در معماری آشکار می شود. در طراحی خانه های سنتی ایران از الگوهای استفاده شده است که این الگوها متأثر از عوامل متعددی است. یکی از این عوامل، فرهنگ فردی و جمعی مردمانی است که در این خانه ها و جامعه آن دوره می زیسته اند. با تغییر روش زندگی امروز، افزایش جمعیت، کمبود زمین و ... الگوهای معماری مسکن نیز تغییر کرده است. در این پژوهش، مطالعه فضاهای موجود در خانه قاجاری سنتی در استان چهارمحال و بختیاری و نحوه چیدمان فضاهای عملکردی موجود در آن برای رسیدن به یک الگوی فضایی کارآمد با توجه به نوع نیاز ساکنان آن، انجام شده است.

در انجام این تحقیق، جستجو برای بررسی فرضیه ای وجود داشته است مبنی بر اینکه، « خانه های قاجار استان چهارمحال و بختیاری دارای ویژگی های مشترکی است که عوامل فرهنگی و اقلیمی در روند شکل گیری آن موثر بوده است.»

همواره و در هر دوره تاریخی، یک حرکت پایدار بین معماری حقیقی پیوسته با نیاز انسانی و معماری شکل گرفته توسط سلاقی و ایده های معماران همواره وجود داشته است. میزان تکرار ایده های یک معمار در طی زمان بر پیکره معماری، توصیف کننده میزان واقعی بودن تشخیص معمار از نیازهای اجتماع پیرامون اوست. در این میان ضرورت شناخت طراح از چیستی و چگونگی احتیاجات و خواسته های مردم دوره و منطقه خود بدیهی به نظر می رسد و تنها راه کسب این شناخت، مطالعات معماری - اجتماعی است. در این گونه پژوهش ها، بستر معماری به منظور شناخت عوامل موثر بر روند شکل گیری و بقای آن مورد مطالعه قرار می گیرد.

پژوهش حاضر تلاشی در جهت گردآوری و تحلیل معماری خانه های قاجار استان چهارمحال و بختیاری با رویکرد فراهم نمودن زمینه مطالعات اجتماعی می باشد.

آنچه از مطالعه کالبد معماری یک خانه برمی آید، می تواند انعکاس دهنده شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دوره خود، سنت ها، باورها، پرهیزها و عوامل اقلیمی و محدودیت های ساخت و یا مهارت های موجود در آن دوره باشد. هرچند، تشخیص ارزش پیامدها و نتایج چنین پژوهش هایی در گذر زمان و مواجهه با نیازهای پدیدآمده امکان پذیر می گردد.

۱-۶- روش پژوهش

تحقیق معماری با رویکرد اجتماعی، عبارت است از مشاهده منظم "کالبد" زندگی اجتماعی مردم، به منظور یافتن و شناخت الگوهایی که میان موارد مشاهده شده وجود دارد. این نوع پژوهش، راهی با ارزش است تا معمار بتواند اجتماع خود را به سؤال تبدیل کرده و با یافتن جواب، طرح ها و کار حرفه ای خود را مستند نماید. به عبارت دیگر نظریه های علمی اجتماعی که در نتیجه تحقیق معماری ارائه می شوند، به "آنچه هست"، می پردازد نه "آنچه باید" باشد (گروتز، ۱۳۷۵). برای انجام چنین مطالعاتی، دو شیوه پژوهش اصلی، تحقیق کمی و تحقیق کیفی وجود دارد. ویژگی این دو شیوه پژوهش در قیاس با یکدیگر عبارتند از:

جدول ۱-۱- مقایسه دو شیوه پژوهش کمی و کیفی براساس روش نمونه گیری (ریاضی خواه، ۱۳۸۹)

تحقیق کمی	تحقیق کیفی
تأکید بر ارقام و اندازه گیری	تأکید بر توصیف و تفسیر
تأکید بر قیاس (داشتن یک فرضیه مشخص)	تأکید بر استقراء (انعطاف پذیر بودن فرضیه)
پنهانگر	ژرفانگر
یافته های قابل تعمیم	یافته های غیر قابل تعمیم
متکی به دید گاههای اثبات گرایانه	متکی بر دید گاه های هرمنوتیکی و تفسیری
متناسب با جامعه شناسی کلان	متناسب با جامعه شناسی خرد
تعیین تعداد مشخص برای نمونه	نمونه گیری تا حد رسیدن به اشباع نظری
انتخاب نمونه به شکل تصادفی	انتخاب نمونه به شکل هدفمند

به طور کلی شاید بتوان گفت علت اصلی تقابل دو روش این است که هر روشی پاسخ گوی سئوالات خاصی است. روش تحقیق کیفی به رویه تحقیقی گفته می شود که یافته های آن از طریق داده های آماری و یا کمی کردن، حاصل نشده است. در واقع این روش، تلاشی جهت توصیف غیر کمی از نمونه ها با توجه به جزئیات و همچنین سعی برای ارائه تعبیر و تفسیر معانی است. به این ترتیب می توان گفت از آنجا که روش های بسیار متنوعی در این محدوده قرار می گیرند، تعریفی جامع که بتواند بیانگر تمامی جنبه های روش کیفی باشد به راحتی قابل بیان نیست و مستلزم تبیین دیدگاه های مختلف نظری در این رابطه است (بانی مسعود، ۱۳۸۸).

در این شیوه، مشاهده و مشارکت، با سایر روش های تحقیق تلفیق شده اند و شامل مشارکت طولانی مدت محقق (پنهان یا آشکار) در "زمینه" مورد مطالعه است. در حقیقت پژوهشگر، شاهد گردآوری هر نوع داده ای است که از "زمینه" و بستر در برگیرنده موضوع پژوهش حاصل می شود. سپس داده های جمع آوری شده پردازش و یا از روند تحلیل حذف می گردند. ویژگی های این روش عبارتند از:

۱- مشارکت گسترده در میدان ۲- استفاده از استراتژی های انعطاف پذیر

۳- تمرکز برنگارش و گزارش تجربیات محقق در میدان (بانی مسعود، ۱۳۸۸).

در این گونه مطالعه، ابتدا شناخت وسیع و کلی از میدان تحقیق حاصل می شود و سپس تحقیق عمیق روی محدوده ای از میدان مورد مطالعه به شکل هدفمند صورت می گیرد (گروتز، ۱۳۷۵). با توجه به نوع موضوع پژوهش، شیوه پژوهش کیفی بارویکرد تفسیری و زمینه گرا برای این تحقیق انتخاب شده است.

۷-۱- قلمرو مکانی پژوهش (جامع آماری)

نمونه های مورد مطالعه به طور مشخص اختصاص به استان چهارمحال وبختیاری دارد. استان چهارمحال وبختیاری با قرار گرفتن در جغرافیای صعب العبور رشته کوه زاگرس، استانی ناشناخته و سرشار از داشته های تاریخ است. جمعیت این استان شامل اجتماع عشایر با شیوه معیشت کوچ روی و روستانشینی و اجتماع شهرنشین غیرعشایراست. در دوره های مختلف تاریخی، سرنوشت این دو گروه علی رغم شیوه معیشت متفاوت، به هم پیوسته بوده است. این پیوستگی در نوع معماری خانه های تاریخی استان نیز قابل مشاهده است.

از آنجایی که موضوع پژوهش، مطالعه خانه های قاجار استان، بدون تفکیک نوع معیشت ساکنان آن است، نمونه گیری از خانه های خانی روستایی عشایر و خانه های خانی روستایی غیرعشایر انجام شده است. دلیل انتخاب خانه ها از میان خانه های خانی، این بوده است که خانه های مردم عادی به مرور زمان تخریب شده و شهرهای جدید بر بستر محله های مسکونی قبلی ساخته شده اند. معدود خانه های خانی باقی مانده نیز به دلیل حفاظت مالکان و بازماندگان هر خانواده و در مراحل بعد، مرمت های انجام شده سازمان های مرتبط از آسیب های احتمالی درامان مانده اند.

در این پژوهش تعداد نه خانه که از مناطق مختلف استان انتخاب شده اند، مورد مطالعه قرار گرفته است. دلیل اصلی انتخاب هر خانه، میزان اطلاعات معماری قابل برداشت و تعداد فضاها ی قابل بررسی بوده است. همچنین عامل موثر دیگر درگزینش نمونه ها، محفوظ بودن طرح خانه تا حد امکان از تغییرات اعمال شده در دوره پهلوی بوده است، چرا که بسیاری از خانه های قاجار موجود در استان همچنان توسط بازماندگان مالک، استفاده می گردد و متناسب با نیازهای امروزی تغییرات بسیاری نموده است که روند پژوهش را از مسیر اصلی دور می نمود.

۸-۱- قلمرو زمانی پژوهش

قلمرو زمانی پژوهش دوره قاجار را شامل می‌گردد. دلیل انتخاب این دوره برای مطالعه تنوع و تعدد نمونه‌های موجود از این دوره تاریخی بوده است. خانه‌های این دوره خود به دو گروه خانه‌های اواسط قاجار و اواخر قاجار تقسیم می‌گردند.

۹-۱- روش نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه

جامعه آماری عبارتست از مجموعه‌ای از واحدها که حداقل دارای یک وجه اشتراک باشند. جامعه آماری این پژوهش شامل خانه‌های استان چهارمحال و بختیاری و وجه اشتراک این خانه‌ها قلمرو مکانی و زمانی ساخت آنهاست. به طور کلی برای نمونه‌گیری از جامعه آماری این پژوهش، دوشیوه احتمالی و غیراحتمالی وجود داشت.

۱-۹-۱- شیوه نمونه‌گیری احتمالی

به منظور نمونه‌گیری احتمالی از جامعه آماری مورد نظر این پژوهش چهار شیوه وجود داشت:

- نمونه‌گیری تصادفی ساده

ساده‌ترین روش نمونه‌گیری است که با تهیه لیست از تک تک اعضای جامعه آماری، کد بندی یا شماره گذاری لیست و انتخاب نمونه‌ها به کمک اعداد به صورت تصادفی، نمونه مورد نظر انتخاب می‌شود.

- نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک

این روش، همانند روش نمونه‌گیری تصادفی است. با این تفاوت که عدد فاصله انتخاب نمونه، از فرمول بدست می‌آید. در این روش تعیین نمونه با سرعت بیشتر، هزینه کمتر و احتمال انتخاب یکسان تر انجام می‌شود.

- نمونه‌گیری مطبق

در این روش، نمونه‌ها براساس یک خصوصیت مشترک دسته بندی شده و به چند گروه تقسیم می‌گردند، سپس از هر گروه نمونه‌هایی انتخاب می‌شود.

- نمونه‌گیری خوشه‌ای

این روش نمونه‌گیری به دو طریق، یک مرحله‌ای و چند مرحله‌ای انجام می‌شود. در روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، همانند نمونه‌گیری مطبق نمونه‌ها بر اساس معیاری دسته بندی شده و مجدداً در هر دسته نیز نمونه‌ها به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند. انتخاب از بین زیرگروه‌های همه دسته‌ها به روش تصادفی ساده صورت می‌گیرد. مزیت

این شیوه نزدیک تر بودن نمونه ها به جامعه آماری مادر نسبت به سایر روش های نمونه گیری است (افشار، ۱۳۸۷، ص ۲۴).

۱-۹-۲ شیوه نمونه گیری غیر احتمالی

در این شیوه، معیاری برای گزینش نمونه ها وجود دارد، به عبارت دیگر، همه جامعه مادر، شانس یکسان برای انتخاب شدن در نمونه گیری را ندارند و ممکن است نمونه هایی باشند که احتمال انتخاب شدنشان صفر باشد (همان، ۳۲).

نمونه گیری غیر احتمالی دارای سه روش به شرح زیر است:

نمونه گیری سهمیه ای: مانند نمونه گیری احتمالی است ولی برای هر گروه سهمیه انتخاب شده است.

نمونه گیری هدفمند: حجم و نوع نمونه از گروههای مختلف و بر مبنای هدف تحقیق انتخاب می شوند.

نمونه گیری ترکیبی: این روش نمونه گیری، ترکیبی از روش های احتمالی و غیر احتمالی می باشد که به عنوان نمونه گیری غیر احتمالی شناخته می شود (افشار، ۱۳۸۷، ص ۳۳).

شیوه نمونه گیری در این پژوهش، غیر احتمالی هدفمند بوده است. به عبارت دیگر خانه های قاجار موجود به دو دسته اوایل قاجار و اواخر قاجار تقسیم شدند. خانه های هر گروه نیز بر اساس روستا یا شهرهای نزدیک به هم دسته بندی شده و از هر گروه یک خانه انتخاب شد.

۱-۱۰-۱ ابزار های جمع آوری داده ها:

ابزارهای اصلی مورد استفاده در تحقیق حاضر عبارت بوده است از:

الف) مشاهده حضوری و برداشت اطلاعات، تهیه کروکی، رلوه، تهیه یا تکمیل نقشه های معماری، تصاویر و فیلم

ب) مصاحبه با اهالی محلی فعلی و سابق محوطه های مربوط به خانه ها به منظور جمع آوری اطلاعات تاریخی خانه ها

ج) مطالعه اسنادی کتابخانه ای پرونده ها، اسناد و مدارک سازمان ها و ادارات و کتاب های مرتبط، پروژه های مشابه کار شده و استفاده از شبکه های اطلاع رسانی رایانه ای (اینترنت)

در روش کیفی برخلاف روش کمی، جمع آوری داده ها و تجزیه و تحلیل آنها دو فعالیتی هستند که به طور همزمان صورت می گیرند. یعنی محقق پیوسته اطلاعات گردآوری شده را تحلیل می کند و بر مبنای آن تحلیل ها به دنبال

مشاهدات و اطلاعات جدید می رود تا جایی که اطلاعات جدیدی به دست نیاید و داده ها شکل تکراری پیدا کنند. در این نقطه جمع آوری داده ها و یا به نوعی تولید داده ها متوقف می شود .

۱-۱۱- روش تجزیه و تحلیل داده ها

شیوه تحلیل داده ها و نمونه های منتخب، تحلیل تفسیری - تاریخی با رویکرد گونه شناسی فضاهای شهری بوده است.

۱-۱۲- محدودیتهای پژوهش

محدودیت های اصلی پژوهش نبودن اسناد و متون تاریخی و کتابخانه ای در ارتباط با ابنیه انتخاب شده بوده است چراکه اطلاعات این استان به دلیل نبودن بر سر گذرگاه های اصلی تاریخی و مورد توجه قرار نگرفتن توسط گردشگران و سیاحان در دوره های گذشته ، در کتب تاریخی درج نشده است. از این رو جستجوی پیشینه و کاربری بناها در پایان نامه های مرتبط که بسیار پراکنده بوده اند انجام شده است. همچنین در نقشه های تهیه شده توسط اداره کل میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری ، اشتباهاتی وجود داشته است که به ناچار باید برطرف می گردید. از سوی دیگر به دلیل پراکنده بودن خانه ها در محوطه های بعضا غیرمسکونی ، تهیه تصاویر از فضای داخلی نمونه ها ، روند پیش روی مطالعه را بسیار دشوار و کند می نمود . با این وجود تلاش شده است اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل نمونه ها تا حد امکان ، کامل باشد . با توجه به ناشناخته بودن بسیاری از بناها حتی در موقعیت محلی خود بنا ، گردآوری اطلاعات اولیه تاریخی ، نقشه ها و تکمیل جزییات آنها و همچنین تهیه تصاویر ، تقریبا در تمامی موارد ، توسط نگارنده انجام گردیده است.

فصل دوم: بستر مکانی و زمانی پژوهش

معرفی:

در این فصل به بررسی موقعیت استان چهارمحال و بختیاری از نظر محدوده مرزی بر روی نقشه تقسیمات کشوری در حال حاضر و در دوره قاجار پرداخته می شود. همچنین از آن جایی که در بررسی خانه های اشرافی منتخب، این سوال بوجود می آید که "دلیل وجود چنین خانه هایی در منطقه ای بسیار محروم و دور از پایتخت قاجار چیست؟"، به اختصار دلایل اهمیت اقتصادی و سیاسی منطقه بختیاری در دوره قاجار به بیان می گردد.

۲-۱- موقعیت استان چهارمحال و بختیاری در نقشه تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۱



شکل ۱-۱- استان چهارمحال و بختیاری

بر روی نقشه کشور ایران (URL1,2012)

استان چهارمحال و بختیاری از جمله استان های واقع در قله مرتفع مناطق کوهستانی فلات مرکزی ایران محسوب می شود و بین ۳۱ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه طول شرقی گرینویچ قرار دارد. این استان از شمال و مشرق به استان اصفهان، از مغرب به استان خوزستان، از جنوب به استان کهگیلویه و بویراحمد و از سمت شمال غربی به استان لرستان محدود می شود. مرکز این استان، شهرکرد با ۲۱۵۰ متر ارتفاع از سطح دریا، مرتفع ترین مرکز استان کشور ایران است (محمودی، ۱۳۷۷).

این استان با ۱۶،۳۳۲ کیلومتر مربع وسعت معادل یک درصد از کل وسعت ایران، بیست و دومین استان کشور از نظر مساحت و مشتمل بر هفت شهرستان، ۱۸ شهر و ۱۳ بخش و ۳۴ دهستان و حدود هفتصد و نوزده روستا می باشد.

رشته کوه زاگرس در این منطقه، به صورت نواری از شمال غرب تا جنوب شرق کشیده شده و قله معروف «زردکوه بختیاری» با ارتفاع ۴،۵۴۸ متر در این استان قرار گرفته است. وجود برف در ارتفاعات استان چهارمحال و بختیاری موجب شده معروفترین رودخانه های دائمی جنوب غربی و مرکزی ایران یعنی کارون، زاینده رود و دز از این ارتفاعات سرچشمه بگیرند (همان).

داشتن ماهیت کوهستانی مرتفع و قرار گرفتن در مسیر جریان های جوی مدیرانه ای باعث شده این منطقه از نظر بارش نزولات جوی از وضعیت مناسبی برخوردار شود. ریزش های جوی در استان از مهرماه آغاز و در دی ماه به بیشترین مقدار می رسد. این بارش ها کم کم در اردیبهشت ماه کاهش می یابد (کسمایی، ۱۳۷۵). به دلیل کوهستانی بودن استان چهارمحال و بختیاری و با توجه به این که دمای هوا ناشی از ارتفاع در هر منطقه از استان متفاوت است اقلیم های مختلفی در استان وجود دارد. بنابراین آب و هوای استان دارای زمستانی سرد و تابستانی معتدل است. همچنین به علت جوان بودن دوره کوه زایی، در این منطقه وجود بلایا و مخاطرات طبیعی چون سیل و زلزله رانش زمین در اکثر نقاط آن مشاهده می شود.

۲-۲- پراکندگی قومی استان چهارمحال و بختیاری



شکل ۲-۱- موقعیت شهرستان های استان چهارمحال و بختیاری بر روی نقشه استان (URL1,2012)

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵، استان چهارمحال و بختیاری به ۷ شهرستان تقسیم می شود که مشتمل بر شهرکرد، بروجن، لردگان، فارسان، کوهرنگ (چلگرد)، کیار و اردل است. طبق آمارگیری سال ۱۳۸۵، جمعیت این منطقه حدود ۸۵۷۹۱۰ نفر بوده است (محمودی، ۱۳۷۷).

مردم استان چهارمحال و بختیاری به دو قسمت چهارمحالی ها و بختیاری ها تقسیم می شوند. چهارمحالی ها عموماً به زبان فارسی و ترکی و با لهجه صحبت می کنند



وبختیاری‌ها هم به زبان بختیاری که شاخه ای از زبان لری است سخن می گویند. در ۵ شهرستان از ۷ شهرستان این استان زبان بختیاری رایج است که این شهرستان‌ها عبارتند از اردل، کوهرنگ، فارسان، لردگان، کیار. در شهرستان بروجن زبان فارسی و ترکی با لهجه محلی رایج است. به طور خاص مردم شهرهای شهرکرد، بروجن و فرخ‌شهر و برخی دیگر مناطق به زبان فارسی صحبت می‌کنند. مردم مناطق لردگان، اردل، کوهرنگ و فارسان به گویش بختیاری تکلم می‌کنند و گویش ترکی قشقایی در برخی از روستاها و شهرها

شکل ۱-۳- دشت لاله های کوهرنگ (URL1,2012)

(شهرهای بلداجی، سامان، بن، فرادنبه، جونقان) رایج است. لازم به ذکر است نواحی شرقی استان چهار محال و بختیاری شامل شهرستان های شهرکرد و بروجن از دیرباز سکونت گاه گروه‌هایی از ارامنه بوده است. هر چند در دهه‌های اخیر تعداد بسیاری از ارامنه چهارمحال به اصفهان مهاجرت کرده اند اما هنوز تعداد کمی از آن‌ها در این استان زندگی می‌کنند. روستاهای ارامنه نشین این استان عبارت بودند از واستیگان، گیشنیگان، احمدآباد، شلمزار، قلعه کشیش، لیوآسیان و ده ارمنی ((محمودی، ۱۳۷۷، ص ۹۸)). حضور بختیاری ها در منطقه مطابق با یافته های باستان شناسی به قرن ششم و قبل از میلاد باز می‌گردد (زمانی پور، ۱۳۷۷). ایل بختیاری از شعبات قوم لر است که خود به دو بخش بزرگ «هفت لنگ» و «چهارلنگ» تقسیم می‌گردد.

۲-۳- وجه تسمیه استان چهارمحال و بختیاری

نام چهارمحال و بختیاری اشاره به دو بخش منطقه چهارمحال و منطقه بختیاری دارد. چهارمحال بخشی روستانشین میان اصفهان و منطقه بختیاری بود. محال جمع مکسر کلمه محل به معنی ناحیه و مکان است و چهار محال یعنی چهار ناحیه که عبارت بودند از: لار، کیار، میزدج و گندمان. در تقسیمات کنونی استان، لار و کیار در شهرستان شهرکرد، میزدج در شهرستان فارسان و گندمان در شهرستان بروجن قرار می‌گیرد. منطقه بختیاری نیز که از دیر باز کوچ گاه ایل بزرگ بختیاری بوده و هست، هم اکنون شامل شهرستان‌های کوهرنگ، فارسان، اردل و لردگان می‌باشد (محمودی، ۱۳۷۷).

۲-۴- شرایط اقلیمی استان چهارمحال و بختیاری

با توجه به چهره طبیعی و موقعیت جغرافیایی و ارتفاع مکان، در این منطقه آب و هوای کوهستانی وجود دارد و از شمال به جنوب به علت کاهش ارتفاعات، دما افزایش می‌یابد به طوری که در ناحیه جنوبی، آب و هوا رو به گرمی می‌رود. از اواسط آبان فصل سرما آغاز می‌گردد و تا فروردین ماه به درازا می‌کشد. متوسط حداقل درجه حرارت استان در ماه های سرد ۲۹ درجه سانتیگراد و حداقل دمای مشاهده شده در شهرستان شهرکرد ۲۸/۶- درجه سانتیگراد در سال ۱۳۷۸ بوده است. اعتدال هوا از اواخر اردیبهشت آغاز شده و تا اواسط تیر رو به گرما می‌رود. گرم ترین ماههای سال، تیر و مرداد است. به طوری که میزان حداکثر درجه حرارت سالانه مرداد در شهرستان لردگان به ۴۲ درجه میرسد. میزان بارندگی منطقه نسبت به نواحی مرکزی ایران نسبتاً زیاد و تعداد روزهای باران آور آن حدود ۵۷ روز است. میزان بارش سالانه ۳۴۰ تا ۵۶۰ میلیمتر بوده که عمدتاً از آبان تا اواخر فروردین هر سال می‌باشد. از اردیبهشت تا آبان جزء ماههای خشک و ماههای آذر، دی، بهمن و اسفند جزء ماه های یخبندان به



شکل ۱-۴- نقش برجسته "شیرین او بازفت" منسوب به دوره اشکانی (محمودی، ۱۳۷۷)

شمار می رود. عامل تعیین کننده در سیمای نباتات متنوع استان، بارش ها در سطح استان است. نوع بارش در مناطق کم ارتفاع به شکل باران و در مناطق مرتفع به صورت برف می باشد (محمودی، ۱۳۷۷).

۲-۵- استان چهارمحال و بختیاری در گذر تاریخ

یافته های باستان شناسی موجود مانند سفالینه ها و سلاح های ابتدایی یافته شده در دامنه «کوههای بختیاری» در شرق شوشتر و در دو طرف «رودخان



شکل ۱-۵- "برد کوری (سنگ گبری)" - آرامگاه های صخره

کارون» بختیاری ها را به یکی از قبایل پارسی که در قرن های ششم و هفتم قبل از میلاد در این مناطق ساکن بوده اند منسوب می کند (الله گانی، ۱۳۷۸). در مقابل برخی به رابطه لغوی بختیاری ها و باختری های قدیم اشاره می کنند و معتقدند این قوم از مناطق باختر فلات ایران یعنی محلی میان عراق، همدان و فارس به این منطقه مهاجرت کرده اند و ریشه لغوی واژه بختیاری همان باختری است (زمانی پور، ۱۳۷۷).

در منطقه شمی (در ۴۵ کیلومتری مال امیر) بازمانده های معبدی وجود دارد که آن را منسوب به دوره اشکانی می دانند همچنین سردیس مفرغی یک سرباز اشکانی نیز از این منطقه بدست آمده است. در دوره ساسانی به علت عدم توجه دولت مرکزی به مناطق دور از مراکز تجاری و مذهبی کشور، بخش های مختلف این منطقه هر کدام جزئی از مناطق آبادتر و قدرت مندتر (مانند فارس و اصفهان) بوده است (محمودی، ۱۳۷۷). مردم محلی معتقدند در این زمان شخصی به نام فیروز که مذهب زرتشتی داشته است برای سرزمین حکم رانی می کرده است. مردم محلی داستان هایی از او با نام "فیروزگیر" بیان می کنند اما در منابع تاریخی مدرک قابل استنادی یافت نشده است. استان چهارمحال و بختیاری در دوران اسلامی تا قرن سوم هجری، همانند دیگر نقاط ایران زیر نظر خلفا اداره می شده است. در قرن سوم و چهارم هجری یعنی به دنبال تشکیل حکومت های مستقل و نیمه مستقل، این منطقه جزء محدوده های سرزمین «لر بزرگ» به شمار می آمد. سرزمین «لر بزرگ» در قرن پنجم میلاد مورد هجوم ترکان سلجوقی قرار گرفت. استقرار ترکان در سرزمین «لرنشین» طولی نکشید یعنی حکومت «اتابکان لر بزرگ» از سال ۵۵۰ تا ۸۲۷ ه.ق در این منطقه بوجود آمد (زرین کوب، ۱۳۴۳). از تاریخ چهارمحال و بختیاری بعد از انقراض حکومت اتابکان تا دوره حکومت صفویه اطلاعات کاملی در دست نیست. در زمان حکومت «شاه طهماسب اول صفوی»، افرادی به عنوان سردار، جهت جمع آوری مالیات به این سرزمین فرستاده می شدند و در همین زمان به منظور انتقال آب از سرچشمه رودخانه کارون به زاینده رود، منطقه بختیاری مورد توجه بیشتری قرار گرفت. از دیگر ویژگی های منطقه در عصر صفویه استقرار گروه های ارمنی و ترک در مناطق روستایی است. بیشتر این گروه ها به پرورش کرم ابریشم و زراعت می پرداختند (همان). در این دوره، به یکی از تیره های بختیاری موسوم به آستریک (که هم اکنون نیز طایفه کوچکی از بختیاری است)، به ریاست شخصی به نام «تاجیر» اشاره شده است. این شخص با فرمان شاه طهماسب به دلیل امتناع از پرداخت مالیات به

قتل رسید. در همین زمان بختیاری ها به دو بخش هفت لنگ و چهار لنگ که در اصل یک تقسیم بندی مالیاتی است، تفکیک شدند. پس از تاجمیر، شخصی به نام میر جهانگیر خان به حکومت بختیاری ها منسوب شد و در زمان این شخص، تونل معروف به «کارکنان» یا «شاه عباس»، در نزدیکی محل تونل فعلی کوهرننگ حفر شد که به دلایل نامعلومی عملیات حفاری آن ناتمام ماند. بررسی های تاریخی از اواخر دوره صفویه به بعد نشان می دهد که ایل بختیاری و در راس آن خوانین بختیاری به دلیل برخورداری از شرایط ویژه جغرافیایی قلمرو ایلی، سازمان قبیله ای و نظام ایلی منسجم داشتند که الزام اطاعت و فرمان برداری بی قید و شرط از گروه های فرو دست گرفته تا رهبران و سرکردگان فرا دست را در پی داشت، از جمله حوادث و وقایع تاریخی که به حضور عشایر بختیاری در آن اشاره گردیده است می توان این وقایع را بیان نمود:

- سواران بختیاری از تفنگ چپان نادر شاه بودند که با فتح قندهار، دروازه هند را به روی لشکریان نادر گشودند.

- علیمردان خان بختیاری با شکست افغانه و باز سازی سلطنت انقراض یافته صفوی، خود مدعی سلطنت شد.

- در طول حکومت سلسله های صفوی، افشار، زندیه و قاجار عمده قشون سلاطین سلسله های مزبور از بختیاری ها تشکیل می شد و همواره صد نفر از سواران بختیاری به ریاست چند تن از خان زادگان بختیاری حفظ نظم تهران، حتی نگرانی از دربار قاجار را بر عهده داشتند (زرین کوب، ۱۳۴۳).

- در تحولات دوران مشروطیت سرکردگان بختیاری (خوانین و تفنگچیان) با مشارکت و راهبری بخشی از این جنبش عظیم ملی نقش پر رنگ تری در روند وقایع این دوران ایفا نمودند. در سال ۱۳۲۴ ه.ق در پی اعتراضات مردمی و رهبری و حمایت روحانیون برجسته تهران، عتبات مقدسه و دیگر شهرهای ایران مانند اصفهان و تبریز، مظفرالدین شاه قاجار به صدور فرمان مشروطیت گردن نهاد و در آن فرمان، نقش ملت در اداره امور کشور و پایان استبداد سلطنتی و تأسیس مجلس شورای ملی و عدالت خانه را پذیرفت. مشروطه خواهان پس از پیروزی خود و گرفتن فرمان مشروطیت به دلیل تندروی هایی از طریق انجمن های محلی به خصوص انجمن ایالتی تبریز و اشخاصی چون سیدحسن تقی زاده که به نحوی منجر به تحسن مشروطه خواهان در سفارت انگلیس شد، هیئت حاکمه را در برابر خود قرار دادند، در اثر تندروی های بسیاری از مشروطه طلبان که به جای تحقق عدالت در پی ارتقای منزلت اجتماعی خود بودند، میان رهبران روحانی مشروطیت اختلاف پدیدار گشت (همان، ص ۲۶۶). به تدریج با تشدید این اختلافات و انحراف مشروطه طلبان از مسیر اصلی خود حوادث ناگواری به وجود آمد که مانع از تحقق مشروطیت در کشور گردید، در پی این مخالفت ها گروهی از نیروهای نظامی و مسلح بختیاری، گیلانی و آذربایجانی به سرکردگی علی قلی خان، سردار اسعد بختیاری، محمد ولی خان تنکابنی (سپه دار اعظم)، ستارخان و باقرخان پس از نبرد با نیروهای محمدعلی شاه، آنان را شکست داده پس از تصرف قزوین و قم جهت فتح تهران عازم شدند. هنگامی که محمدعلی شاه متوجه شد تهران به دست مشروطه خواهان و ملیون افتاده است به اتفاق خانواده اش به سفارت روس پناهنده شد. در تاریخ ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۲۷ در



شکل ۱-۶- ناصرالملک جلوی ساختمان مجلس پس از پذیرفتن نیابت سلطنت: صف جلواز چپ به راست صمصام

السلطنه، سپهدار اعظم، محتشم السلطنه، امیر اعظم، سردار اسعد و سردار جنگک (رنه دالمانی، ۱۹۰۷)

بهارستان رؤسای ملیون جمع شدند تا در مسائل فوری کشور تصمیم بگیرند و مجلسی را به نام "مجلس فوق العاده عالی" تشکیل دادند که در این مجلس به اتفاق آراء محمدعلی شاه از سلطنت خلع و سلطنت به پسرش احمد میرزا واگذار گردید و چون احمد میرزا بیش از دوازده سال نداشت علیرضا خان ایلخانی قاجار ملقب به عضدالملک به سمت نیابت سلطنت تعیین گشت و همچنین از سوی ملیون علیقلی سردار اسعد بختیاری به سمت وزیر داخله و سپهدار تنکابنی به سمت وزارت جنگ تعیین شدند (زرین کوب، ۱۳۴۳).

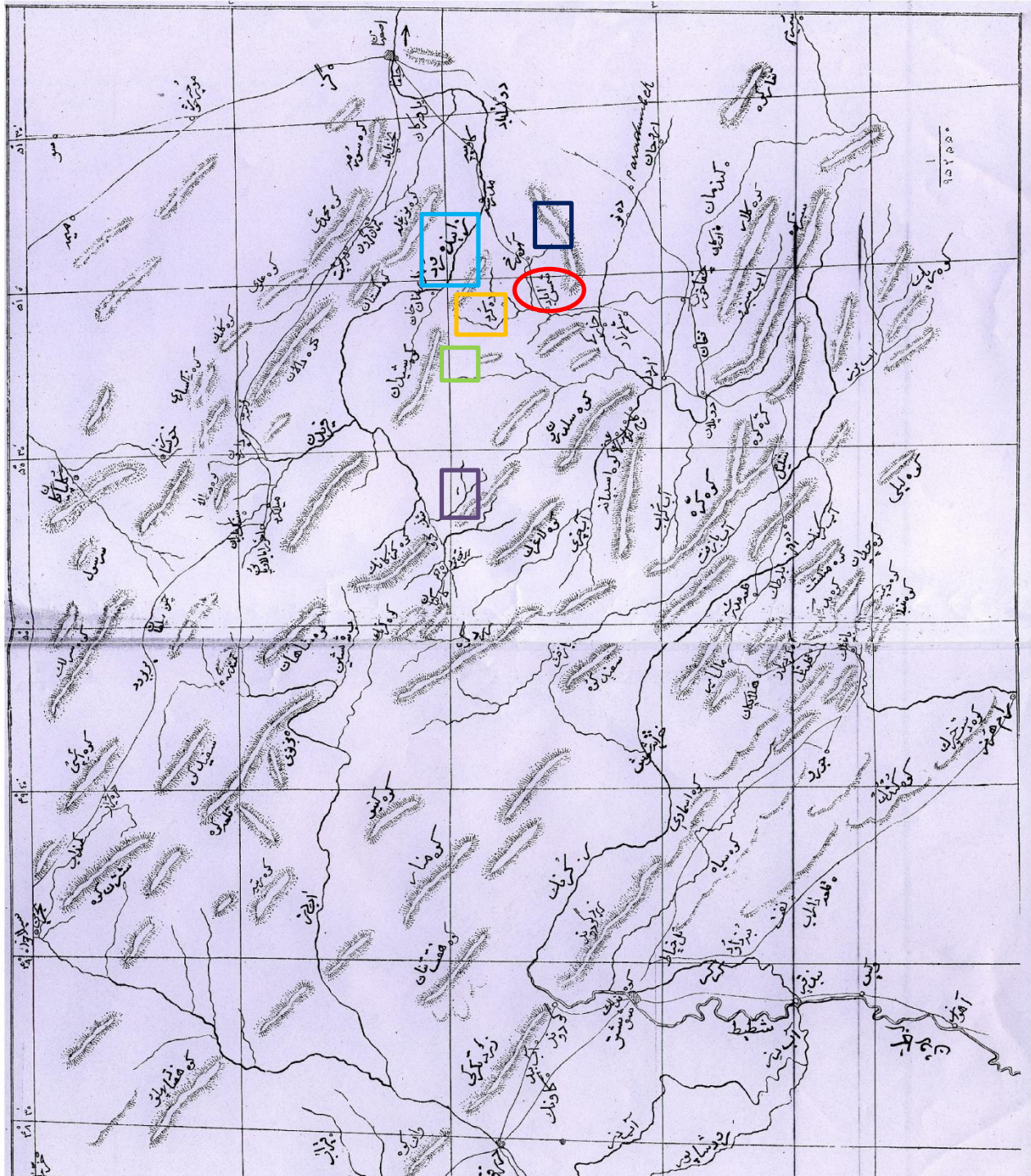
در دوره پهلوی، پس از به قدرت رسیدن رضا خان و دگرگونی شدید در نظام سیاسی کشور، زندگی سنتی ایل بختیاری تغییر کرد. رضا خان برای کسب قدرت هر چه بیشتر و متمرکز کردن آن در تهران، به سرکوب شدید عشایر پرداخت و عده زیادی از آنان را اعدام کرد و یا به زندان انداخت و در مسیر کوچ نیز حکومت نظامی برقرار کرد. در دوره پهلوی جنگ های متعددی بین سران و عوامل سلطنت پهلوی و خوانین قدرت طلب بختیاری در گرفت. عشایر، خواهان خود مختاری و لغو فرمانداری نظامی بودند، ولی اکثر آنان خلع سلاح و سرکوب گردیدند. این زد و خورد های ریشه دار خوانین و دولت پس از تبعید رضاخان به جزیره موریس کاهش یافت و حتی بعضی از ایلات که به زور سر نیزه مجبور به اسکان و یکجا نشینی شده بودند، مجدداً سیاه چادرها را برافراشتند و زندگی ایلی را از سر گرفتند (همان، ۱۷۸).

۲-۶- بررسی اهمیت سیاسی و اقتصادی استان چهارمحال و بختیاری در دوره قاجار

اگر چه دلایل متعددی از حضور جوامع انسانی در منطقه بختیاری در طول دوران های مختلف تاریخی وجود دارد، اما به نظر می رسد که این منطقه هرگز همانند دوره قاجار مورد توجه دولت مرکزی نبوده است. وجود خانه های اشرافی و کاخ - خانه های خوانین در منطقه ای بسیار محروم و فقیر با مردمی دور از راه های ارتباط با جهان خارج، این پرسش را بوجود می آورد که **"دلیل وجود اینگونه خانه های مجلل در این منطقه چیست؟"** در این قسمت به بررسی موقعیت استان چهارمحال و بختیاری در روزگار قاجار پرداخته می شود.

۲-۶-۱- مرزهای سرزمین بختیاری در ایران دوره قاجار

استفاده از عبارت "خانه های استان چهارمحال وبختیاری" اگرچه امروز ، مانوس می نماید، اما با تصور مرزهای سرزمینی دوره قاجار، معنایی دیگرگونه پیدا می کند. در دوره ناصری تقسیم ایالات و ولایات ایران و تهیه نقشه از این تقسیمات اتفاق افتاد.



نقشه ولایات بختیاری ، ترسیم : هوتم لیندار انگلیسی و میرزا رضا خان مهندس الملک، ۱۳۲۹- (حسینی، ۱۳۷۶)

راهنمای نقشه: **زاینده رود** **دهکرد** **دزک** **شمس آباد** **چالشر** **جونقان**

در این زمان مرزهای روشنی میان ولایات بختیاری، اصفهان و خوزستان وجود نداشت. بخصوص که خوانین بختیاری، خود را محصور در مرزهای تعریف شده حکومتی نمی دانستند و حریم ایلات عشایر مطابق قوانین قبیله ای بین لرستان، خوزستان و چهارمحال و بختیاری تعریف می شد (محمودی، ۱۳۷۷). با این وجود اشاره به بناهایی همانند قلعه های خوانین در سفرنامه های دوره قاجار نشان از پویایی این منطقه در مناسبات سیاسی دوره قاجار دارد. مطالب زیر نمونه ای از مطالب سفرنامه های قاجار است:

"... سردار ما را به سوی یک قلعه بختیاری (خانه امیرمفخم)، راهنمایی کردند که اینک با ورود بدان با کمال ناباوری خود را در میان باغی از هر حیث آراسته و منظم می بینم که استخری زیبا در مرکز آن خودنمایی می کند... بعد از بالا رفتن از پلکانی سنگی به قصر وارد شدیم که غرق در نور بود. در اینجا با پیچیدن به دست راست به تالاری قدم گذاشتیم که در آئینه کاری دست کمی از آئینه کاخ سلطنتی تهران نداشت. این تالار وسیع را دوازده چراغ نفتی روشن کرده بود که برخی را به سقف و برخی را در فواصل مساوی بر زمین و حتی روی قالی ها قرار داده بودند... استخرها و حوض ها با اشکال هندسی و فواصل متناسب هوای باغها را لطیف می کنند و زیباترین گل‌های فصلی باغهای خودمان با رنگ و بوی دلپذیر باغ را زینت داده اند. در جنب دیوار کاخ ساختمانی بزرگ از خشت و گل هست که حیاطی بزرگ دارد و طویله اسب های سردار است. طبقه دوم آن منزل گاه نوکرها و درشکه چی ها و مهم ترین های ارباب است." (رنه دالمانی، حیدرپور، ۱۳۸۱)

"...بامداد امروز در کاخ مجللی (خانه سردار اسعد) که سردار بختیاری در اختیارمان گذاشته است خیلی دیر از خواب بیدار شدیم و با مشاهده مبلمان کاملاً اروپائی کاخ احساس کردیم آنچه می بینیم در خواب است و نه در بیداری. درست است که رنگهای محلی تالار و اشیاء تا حدی برای ما نامانوس است... امروز آخرین روز توقفمان در جوققان است و بدین جهت با استفاده فرصت از باغ های مجاور کاخ که با انواع درختان و گل‌های سفید زینت گردیده دیدن کردیم. استخرها و حوض ها با اشکال هندسی و فواصل متناسب هوای باغ را لطیف می کنند و زیبا ترین گل های فصلی باغ های خودمان با رنگ و بوی دلپذیر باغ را زینت داده اند. در جنب دیوار کاخ ساختمان های بزرگ از خشت و گل هست که حیاط بزرگی دارد و طویله اسب های سردار است. این طویله جای تیمار شصت اسب را دارد. طبقه دوم آن نیز منزل گاه نوکرها و درشکه چی ها و مهترهای ارباب است. پشت بام این ساختمان منظره ای عالی دارد و بر تمامی خانه های ده مشرف است." (همان)

۲-۶-۲ - جایگاه اقتصادی منطقه بختیاری در دوره قاجار

بختیاری ها یکی از بزرگ ترین طوایف کوچنده ایران بوده اند که سالیان درازی با قدرت و سلطه جویی توانستند بر قسمتی از اراضی ایران حکومت کنند. سران بختیاری در زمان حکومت قاجار از منزلتی فراوان بر خوردار بودند. سران ایلی چون جعفر قلی خان سردار اسعد، امیر مجاهد، سردار جنگ، سردار محتشم و دیگران توانستند پس از انقلاب مشروطیت به پست های حساس کشوری و لشکری دست یابند. اما وقایع قیام مشروطه، دلیل اصلی اهمیت یافتن این منطقه نبوده است.

کشمکش های خونین و جنگ‌های ممتد نیمه اول قرن نوزدهم اروپا بر محور علل اقتصادی دور می زد. تحول صنعتی و به طور کلی تحولات اقتصادی اروپا و جنگ‌های نیمه اول قرن نوزدهم اروپا در سراسر جهان اثر فراوان بر جای گذاشت. ایران نیز خواه و

ناخواه در جزر و مد حوادث نامطلوبی قرار گرفت که در حقیقت نتیجه آن تحولات و جنگ‌ها بود. تمام فجایع و اعمال ننگین و غیر انسانی دولت‌هایی مانند انگلیس، فرانسه، هلند، روسیه تزاری، آلمان پرتغال و بلژیک در قاره‌های آسیا و آفریقا در راه استعمار سرزمین‌ها و استثمار سکنه آنها، نتیجه مستقیم علل و اهداف اقتصادی بود. در قرون نوزدهم، سلطه‌ی اقتصادی، مقدمه‌ی سلطه‌ی سیاسی و مداخله در امور داخلی ممالک آسیا و آفریقا بوده است (زرین کوب، ۱۳۴۳)

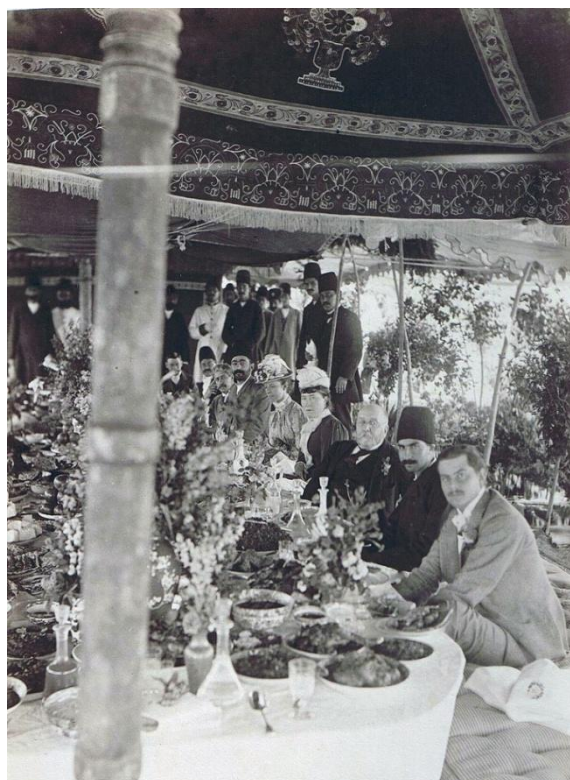
در دوره اول سلطنت قاجاریه یعنی از سال ۱۲۱۰ تا ۱۲۵۰ هجری قمری حکومت قاجاریه با یک سلسله جنگ‌های دفاعی در برابر روسیه و عثمانی مواجه گردید. از این زمان، دولت انگلستان پس از راندن رقیب خود (فرانسه)، برای بسط نفوذ سیاسی خویش در کشور ایران به فعالیت پرداخت. رقابت اقتصادی و سیاسی روسیه و انگلیس با مظاهر ناگوار خود به نحوی بارز در ایران تجلی یافت. این رقابت در درجه اول برای رخنه در امور مالی و اقتصادی ایران و کسب امتیازات اقتصادی و معافیت‌های گمرکی و عقد قراردادهای پر سود برای آن دو کشور آغاز گردید و روز به روز شدت یافت و هر دو رقیب برای پیش برد مقاصد خود از هیچ اقدام و عمل سیاسی خودداری نکردند. بدین ترتیب بازرگانی خارجی ایران به مرور زمان در انحصار دو دولت قدرتمند روس و انگلیس قرار گرفت و امور مالی و گمرکی و سایر شئون اقتصادی ایران استقلال خود را از دست داد (شمیم، ۱۳۸۲). با از دست رفتن درآمد صادراتی کشور، تنها منابع مالی قابل تکیه موجود، کشاورزی و صنایع دستی و اجاره نیروهای انسانی بود (همان، ۶۷).

وقایع سیاسی، آشفتنگی‌های موجود در وضع حکومت و ناپایداری پایه‌های متزلزل و وابسته دولت تأثیری انکارناپذیر بر همه وجوه اقتصادی جامعه داشت. این نابسامانی همه عرصه‌های اقتصادی کشور اعم از صنایع، بازرگانی، کشاورزی و زیرساخت‌های تولیدی را در بر می‌گرفت. کشاورزی، همان‌طور که پایه و اساس ثروت مالکین را تشکیل می‌داد با اجرای سیستم مالیات بر اراضی مزروعی، یکی از منابع مهم درآمد دولت بود. دولت طبق فهرست‌های معین از هر جریب، یعنی ده هزار متر مربع، زمین مزروعی مبلغی به نقد و مقداری جنس، به عنوان مالیات می‌گرفت و چون مؤدی مالیاتی، مالک و ارباب دهکده بود، در برابر سهمی که به دولت می‌پرداخت، آنچه می‌خواست از بزرگ‌و دهقان می‌ستاند (مکی، ۱۳۷۵)

به این ترتیب بزرگترین منبع تأمین مالیات دولت، مزارع زیرکشت محصولات کشاورزی و باغات گردید. با این وجود، وسایل و شرایط کشت و زرع در سراسر کشور تقریباً یکسان و در مراحل ابتدایی بود. دهقان حداقل محصول را از زمین بر می‌داشت و این محصول طبق عوامل پنج‌گانه کشت و زرع یعنی، زمین، گاو، بذر، آب و انسان بین مالک و زارع تقسیم می‌شد. چون مالکین عمده، خود را صاحب زمین و آب می‌دانستند، به طور مسلم دو پنجم محصول به آنان تعلق می‌گرفت و این حالت فقط در مواقعی بود که زارع بذر و جفت گاو برای شخم زمین از خود داشته باشد ولی اگر بذر و گاو را هم مالک در اختیار زارع می‌گذاشت، زارع فقط حق استفاده از یک پنجم دست رنج خود را داشت. چون زارع هرگز نمی‌توانست بیش از حداقل خوراک سالانه خود و خانواده اش گندم و جو و محصولات دیگر به دست آورد و مقداری از آن را برای بذر سال آینده نگه دارد، همیشه بذر را هم از مالک می‌گرفت. در بسیاری از روستاها، جفت گاو متعلق به مالک یا مباشر و یا کدخدای ده بود، بدین ترتیب اکثر زارعین فقط از یک پنجم محصول بهره می‌بردند (همان، ص ۴۵).

مالک و مباشر او در هر دهکده علاوه بر قسمت عمده ی محصولات زمین ، از میوه های درختی و محصول صیفی و مرغ و تخم مرغ و گوسفند و میش و بز و لبنیات و پشم و پوست نیز سهم داشتند و سهم خود را به زور از زارعین می گرفتند و حتی زارعینی که از کوهستان ها کتیرا و صمغ های نباتی یا گیاهان خودرو کوهی مانند زرشک و ریواس و امثال آنها جمع آوری می کردند ، مجبور بودند مقداری از دسترنج خود را به نماینده مالک تسلیم کنند زیرا مالک یک دهکده علاوه بر اراضی مزروعی دهکده ، تا شعاع صدها کیلومتر از حواشی دهکده را ملک مطلق خود می دانست. به طور کلی ، طبقه بزرگ و ده نشین در برابر مظالم و ستمگری مالکین بزرگ هیچ گونه مرجعی برای شکایت و دادخواهی نداشت ، زیرا در رژیم سلطنت استبدادی حتی نیروهای انتظامی کشور نیز حامی طبقات توانگر و مالک بودند (دنبلی، ۱۳۵۱).

در چنین شرایطی ، مناطقی متکی بر اقتصاد کشاورزی و نظام طبقاتی ارباب رعیتی ، همانند آنچه در سرزمین بختیاری آن روز حاکم بود ، بسیار مورد اقبال و توجه دولت وقت (قاجار) قرار گرفت. اسناد و قراردادهای موجود ، نشان از وجود مراودات و تعهداتی میان خوانین بختیاری و دولت تهران در روزگار قاجار دارد.



شکل ۱-۸ - میهمانان سردار اسعد در سیاه چادرهای مجلل (اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۱)

۲-۶-۳- جایگاه سیاسی منطقه بختیاری در دوره قاجار

استبداد حکومت قاجار به معنای انحصار و اعمال قدرت خودکامه در همه سطوح زندگی مردم که مشروعیتش فقط از یک فرد ناشی می شد ، نظامی نبود که سنت و آداب و اخلاق و قانون و آزادی اندیشه و شرکت در فعالیت های اجتماعی را بپذیرد. مردم